

درس های کنفرانس تهران برای امروز ایران و جهان

فصل پایانی ترجمه یادداشت های مترجم استالین در "کنفرانس تهران" را در این شماره می خوانید. با آنکه در جریان انتشار این یادداشت ها گهگاه در مقدمه شماره های گذشته- بویژه شماره نخست- و در خلال پاسخ به پیام های دریافتی دلیل و انگیزه انتشار این ترجمه را یادآور شده بودیم، بنظر می رسد در آخرین شماره نیز ضرورت دارد یکبار دیگر به آن یادآوری ها اشاره ای دوباره بکنیم:

انگیزه ما برای انتخاب و انتشار این یادداشت ها، در درجه نخست آن بود که:

1- ببینیم رهبران و هدایت کنندگان قدرت های بزرگ دوران چگونه وقتی وارد اتاق مذاکره مستقیم می شوند، ناچارند همه تعارف ها و اشارات دیپلماتیک را کنار گذاشته و با صراحت کامل در باره آنچه که مورد بحث است گفتگو کنند. اگر یکبار دیگر و با دقت، این یادداشت ها را یکجا و پشت سر هم مرور کنید به این نکته بیشتر پی خواهید برد.

2- شناخت عمیق استالین از مکر و حيله انگلستان و تسلطی که او در جریان کنفرانس نسبت به چرچیل از خود نشان می دهد و با چند مانور بسیار زیرکانه او را ناچار می سازد گشایش جبهه شمال را بپذیرد. او برای این پیروزی موفق می شود تا حدودی رئیس جمهور امریکا را با خود متحد کند و این از شگردهای ماهرانه استالین در این کنفرانس بود.

3- انگلستان همانگونه که از مانورهای چرچیل در کنفرانس تهران مشخص است، تا آخرین لحظات می کوشید وقتی جبهه شمال را بگشاید که دیگر هیچ چاره ای نباشد. یعنی تا آنجا که امکان داشت این جبهه را به تاخیر بیاندازد تا اتحاد شوروی بیشتر ضربه ببیند و آلمان و شوروی هر دو ضعیف شوند. در نهایت نیز، وقتی جبهه را بگشاید که خطر پیروزی اتحاد شوروی به تنهایی و شکست دادن ارتش فاشیستی هیتلر قطعی باشد. در این صورت بعنوان شریک پیروزی وارد جنگ شود. این را استالین متوجه شده بود و به همین دلیل روی گشایش سریع جبهه شمال اصرار می کرد تا خسارات و تلفات شوروی را کاهش دهد.

4- در همین یادداشت ها کاملاً متوجه تضاد منافع انگلستان و امریکا می شوید. امری که استالین ماهرانه از آن استفاده کرد و روزولت را به سوی خود کشید و چرچیل را منزوی کرد.

5- بازگشت روزولت به امریکا و فشار عظیم تبلیغاتی که بدلیل ملاقات هایش با استالین و دیدارهایش با وی در سفارت اتحاد شوروی در تهران به وی وارد آوردند؛ عملاً پیش از آنکه شانس برای یک دوره دیگر ریاست جمهوری داشته باشد از پای در آمد. بتدریج و بدنبال شکست هیتلر، آیزنهاورها و دیگر نظامیان بر کاخ سفید تکیه زدند و دوره مک کارتیسم و مقابله با اتحاد شوروی آغاز شد.

6- نکته بسیار مهم دیگری که در ارتباط با کنفرانس تهران باید روی آن دقت کرد بحث بر سر جهان پس از شکست آلمان هیتلری است. در پایان هر جنگی تقسیم جهان - حتی در پایان جنگ سرد نیز شاهد بودیم و در پایان این دوره از جنگ افروزی امریکا نیز شاهد خواهیم شد- و شکل گیری نقشه جهان در دستور است. چنانکه در خلال همین کنفرانس نیز استالین از استقلال هندوستان دفاع می کند و چرچیل حتی به قول روزولت از شنیدن ضرورت بحث بر سر آینده هندوستان برافروخته می شود. آینده چین و انقلاب آن و یا بررسی راه های جلوگیری از جنگ افروزی آلمان و مباحثاتی که پیرامون تقسیم این کشور می شود و در این یادداشت ها مشاهده می شود که استالین هیچ پیشنهادی برای تقسیم آلمان نداشت، به همان

اندازه که راه حل های جلوگیری از جنگ مجدد را نه تقسیم جغرافیائی آلمان بلکه نظام آینده حاکم بر این کشور می دانست. این یکی از مهم ترین بحث های کنفرانس تهران است. کنفرانسی که تاریخ تقریباً 6 دهه تاریخ جهان را رقم زد.

7- نکته مهم دیگر، آن تندروری و چپ روی است که استالین و اتحاد شوروی پس از پیروزی در جنگ با فاشیسم گرفتار آن شدند. چنان که ضرورت حفظ جدائی و تضاد منافع امریکا و انگلستان را فراموش کرد و آن دو در کنار یکدیگر متحدانی علیه اتحاد شوروی شدند. ما فکر می کنیم به مجموعه دلایلی که در بالا به آنها اشاره کردیم، نه تنها انتشار این یادداشت و تمرکز روی مباحث کنفرانس تهران ضروری بود، بلکه مطالعه و مرور چند باره آن نیز ضروری است. هر بار می توان خواند و درس جدیدی از آن گرفت. در این صورت است که آنوقت با دقت بیشتری به نتایج دیدارها و کنفرانس های سران قدرت های بزرگ در پشت درهای بسته توجه می کنیم. آنچه که دیروز تاریخی در کنفرانس تهران گذشته، به نوع و در سمت گیری دیگری در کنفرانس "گوادلپ" گذشته و در دیدارهای دیگر می گذرد. در پشت درهای بسته، هیچ تعارف دیپلماتیکی وجود ندارد. حال بخش پایانی کنفرانس تهران را بخوانید:

«در راه بازگشت به مسکو، رئیس جمهور "روزولت" برای ی.و. استالین تلگرافی مخابره کرد که طی آن برای دیدار تهران ارزش عالی قائل شده بود. در تلگراف آمده بود: "به نظر من کنفرانس بسیار موفقیت آمیز بوده و من اطمینان دارم یک حادثه تاریخی است که نه تنها قابلیت ما را برای جنگ مشترک بلکه برای کار برای جهان آینده، در توافق نظر کامل تأیید می نماید. من از گفتگوهای شخصی مشترک با شما و بویژه از امکان دیدار خصوصی با شما بسیار لذت بردم. امیدوارم دوباره در آینده شما را ببینم و عجلتا موفقیت هرچه بیشتر شما و ارتش های شما را آرزو دارم. در پیام جوابیه رئیس شوروی کمیسرهای خلقی اتحاد شوروی مورخ 6 دسامبر سال 1943 نوشته شد:

«با این نظر شما موافقم که کنفرانس تهران با موافقت زیاد برگزار شده و دیدارهای شخصی ما از بسیاری لحاظ اهمیت بسیار داشت. امیدوارم که آلمان هیتلری دشمن مشترک خلق های ما بزودی این را حس کند. در حال حاضر این اطمینان وجود دارد که خلق های ما هم اکنون و هم پس از تمام این جنگ همکاری دوستانه داشته باشند. موفقیت هر ه بیشتر شما و نیروی مسلح شما را در عملیات پر مسئولیت آینده آرزو دارم. همچنین امیدوارم که دیدار ما در تهران آخرین دیدار نباشد و دوباره یکدیگر را ببینیم».

باید بویژه چگونگی ارزیابی از دیدار تهران در ایالات متحده امریکا را تذکر داد. این ارزیابی در تلگرام آ.آ.گرومیکو سفیر وقت اتحاد شوروی در ایالات متحده امریکا مورخ 8 دسامبر سال 1943 برای کمیسری امور خارجه اتحاد شوروی تشریح گردیده است. سفیر اطلاع داد: «هم اکنون کنفرانس تهران در مرکز توجه محافل رسمی و دیپلماتیک واشنگتن قرار دارد. اکثریت قریب به اتفاق اعضای کنگره امریکا اعلامیه های مصوبه را مثبت ارزیابی می کنند. سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان طی اظهار نظرهای خود اهمیت سیاسی عظیمی را برای کنفرانس و تصمیمات آن قایل شده اند».

کنفرانس رهبران سه قدرت متحد اتحاد شوروی، ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر که از 28 نوامبرالی 1 دسامبر سال 1943 در تهران برگزار گردید در زمره بزرگترین حوادث دیپلماتیک جنگ دوم جهانی بود. این کنفرانس یک مرحله مهم در تحول مناسبات بین المللی و بین متحدین بود. در جریان کنفرانس، برخی مسائل بسیار مهم در زمینه عملیات جنگی و نظام

جهان بررسی و حل گردید. دیدار تهران نقش مهمی در امر همبستگی ائتلاف ضد هیتلری بازی کرد. این دیدار زمینه را برای نیل به پیروزی نهائی در جنگ و پی ریزی توسعه و تحکیم بعدی مناسبات میان سه قدرت بزرگ فراهم ساخت.

در جریان کنفرانس، علیرغم فرق بنیادی میان نظام سیاسی و اجتماعی اتحاد شوروی از یک سو، و ایالات متحده و انگلستان از سوی دیگر، همکاری در مبارزه علیه دشمن مشترک و جستجو و اتخاذ تصمیمات قابل قبول طرف ها در زمینه مسایل مورد اختلاف به موفقیت انجامید؛ اگر چه شرکت کنندگان آن در بسیاری موارد، در ابتدا نسبت به آنها برخورداس مختلف داشتند. کنفرانس تهران و تصمیمات آن از اهمیت بین المللی فراوانی برخوردار شد. اصول همکاری قدرت های بزرگ ائتلاف ضد هیتلری که نماینده نظام های اجتماعی مختلف بودند، در کنفرانس پیروز گردید. در اعلامیه مشترک رهبران سه قدرت متحد خاطرنشان می شد که اتحاد شوروی، ایالات متحده و انگلستان «چه در زمان جنگ و چه در زمان آتی صلح با یک دیگر همکاری خواهند نمود».

این عقیده وجود دارد که همکاری میان اتحاد شوروی، ایالات متحده و انگلستان در سال های جنگ بدان سبب میسر گردید که پای دشمن مشترکی در میان بود. قدرتی که هر سه قدرت را تهدید می کرد، و این امر آنها را به سوی اتحاد در مبارزه علیه آن سوق داد. به همین جهت پس از پیروزی بر ارتش هیتلر، و زمانی که دشمن مشترک از پای درآمد متحدین زمان جنگ هر یک راه خود را رفتند.

1- از هم پاشیدگی ائتلاف و تقابل میان ایالات متحده و انگلستان از یک سو، و اتحاد شوروی از سوی دیگر، قبل از هر چیز ناشی از جاه طلبی محافل حاکمه ایالات متحده بود که عقیده داشتند انحصار طولانی بمب اتم به آنها امکان می دهد سلطه جهانی امریکا را برقرار کنند.

2- واقعیت امر تنها این نبود که متحدین سابق به طور ساده هر یک به طرفی رفتند، زیرا تقابل میان ایالات متحده و انگلستان به وجود نیامده بلکه میان این دو کشور و اتحاد شوروی بوجود آمد. پس در این مورد «قانونمندی» از هم پاشیدگی چندان نقشی نداشت، بلکه بیشتر تمایل قدرت های بزرگ بورژوائی به «بازداری» سوسیالیستی و در نهایت، نابودی آن به عنوان یک نظام اجتماعی نقش خود را بازی کرد.

3- نباید پنداشت که در شرایط کنونی هیچ خطر مشترکی ایالات متحده، انگلستان و اتحاد شوروی را تهدید نمی کند. قبل از هر چیز این خطر فاجعه هسته ای عمومی، مسئله محیط زیست و بقای بشر، کم شدن منابع طبیعی و نیرو و غیره است. وظایف و اهداف مشترکی نیز در زمینه مبارزه با گرسنگی و بیماری ها، پژوهش اعماق اقیانوس و تسخیر فضاء وجود دارد.»